

هَشِیغ و لَیوِشِم → **شاهین شجری‌کهن**



مسیر کارنامه فیلمسازی پوران درخشنده

بازگشت به نقطه صفر

پوران درخشنده به عنوان فیلمسازی متعهد شناخته می‌شود که در طول دوران فعالیتش در سینما همواره سعی کرده دغدغه‌های غیرسینمایی‌اش را با ابزار سینما بیان کند. او پیش از آنکه «رابطه» نخستین فیلم سینمایی‌اش را بسازد، در مستندهایش به موضوعات اجتماعی مانند اعتیاد، بیکاری و تاثیر منفی آن بر خانواده پرداخته بود و «رابطه» هم در ادامه همین دغدغه‌ها ساخته شد، با این تفاوت کوچک که این بار کودکان و نوجوانان قهرمان داستان بودند؛ آن هم کودکانی که از معلولیت و ناتوانی جسمی رنج می‌برند. «رابطه» در دورانی مطرح شد و اقبال عمومی یافت که سینمای ایران پس از رکودی چندساله تازه داشت جان دوبارهای می‌گرفت و چرخ تولید و اکران به حرکت می‌افتاد. در میان انبوهی از مضمون‌های تکراری که به شیوهای مَدَدستی و غیر حرفه‌ای پرداخت شده بودند و اغلب لحنی کلیشه‌ای، نمایشی و اغراق‌آمیز داشتند، «رابطه» جنس متفاوتی از سینما را عرضه می‌کرد که در زمان خودش بسیار بالارزش و کمیاب بود؛ فیلمی که داستانی اجتماعی را با پرداختی واقع‌گرایانه و شخصیت‌هایی باورپذیر ارائه می‌کرد و از ادا و اطوارها و آرایه‌های سینمایی نمایشی و اخلاق‌گرایِ اوایل دهه ۱۳۶۰ خالی بود. پس از آن درخشنده «برنده کوچک خوشبختی» را ساخت، با ملودرامی غلیظ‌تر و داستانی پیچیده‌تر که همچنان در بستر اجتماعی زمانه خودش به عنوان یک پدیده متفاوت سینمایی تحویل گرفته شد. موضوع کودکان معلول و ناتوانی آنان در برقراری ارتباطی سالم و پویا با جامعه پیرامون، در این فیلم هم به شکلی پررنگ دیده می‌شد. پس از این دو فیلم، درخشنده جایگاهی تثبیت‌شده در سینمای ایران پیدا کرد و در کنار رخشان بنی‌اعتماد مهم‌ترین فیلمسازان زن این سینما بودند که آثار قابل تاملی می‌ساختند و دغدغه‌های اجتماعی و تربیتی‌شان را مطرح می‌کردند؛ هر یک به شیوه خودش و با بیانی متفاوت.

دو فیلم بعدی درخشنده «عبور از غبار» و «زمان ازدست‌رفته» به موضوعاتی غیر از بیماری و معلولیت و کودکان و ارتباط اجتماعی می‌پردازند و هیچ‌یک نمی‌توانند موفقیت «رابطه» و «برنده کوچک خوشبختی» را تکرار کنند. در اوایل دهه ۱۳۷۰ او فیلم بسیار ناموفق «عشق بدون مرز» را ساخت که از هر لحاظ یک شکست کامل بود. حتی لوکیشن‌های امریکا و فضای پرزرق و برق خارج از کشور هم نتوانست فیلم را نجات دهد و مضمون فیلم هم اگرچه زمانی جسورانه و تابوشکن محسوب می‌شد، اما در آن دوران بسیار خنثی و کهرقم به نظر می‌رسید. این آغاز وقعه‌ای پنج‌ساله بود که با فیلم تحسین‌شده «شعی در باد» پایان یافت و درخشنده را دوباره در مرکز توجه قرار داد. او با این فیلم به دنیای مورد علاقه‌اش بازگشت و به تاثیر اعتیاد بر نسل جوان را بررسی می‌کرد. «شعی در باد» اثباته از پیام‌های اخلاقی و آموزشی بود و دغدغه تربیت نسل جوان و آموزش دادن به آنها برای مواجهه با خطرات اجتماعی در رویکرد فیلمساز دیده می‌شد. اما یک نکته مهم را نباید نادیده گرفت: «شعی در باد» دقیقاً به دلیل نشان دادن بی‌پروا (و تا حدی بی‌سابقه) ای صحنه‌هایی مورد توجه مخاطبان قرار گرفت که در خود فیلم نهی و تنبیح می‌شد. یعنی صحنه‌های پارتی و استعمال مواد و توهم و از این دست تصویرها. درخشنده سپس فیلم متوسط و بی‌رنگ و خاصیت «روای خیس» را کارگردانی کرد که ملودرامی سردرگم و ناموفق‌ده درباره عشق نوجوانی و فاصله میان نسل‌ها و از این قبیل موضوعات بود. «روای خیس» قسمتهای مورد توجه مخاطبان داشت که فضاها به دو فیلم اولش خبرگرمی و تسلط‌ش را در پردازش آن ثابت کرده بود. فیلم چیز خاصی نداشت و بی‌سروصدا اکران و پایگانی شد. اما کارگردان اخلاق‌گرای سینمای ایران را به این نتیجه رساند که باید به فضاهای آشنای گذشته بازگردد و درباره کودکان و معلولان ملودرام بسازد.

به فضاهای ابدی» دنباله‌ای غیرمستقیم بر «رابطه» و «برنده کوچک خوشبختی» بود که البته پرداخته به شدت سطحی و بیش‌ازپایانده داشت و برخلاف دو فیلم اول کارنامه این کارگردان، از شخصیت‌های اصلی‌اش به مثابه ابزارهایی برای اثرگذاری آنی و سطحی روی احساسات تماشاگر استفاده می‌کرد. داستان درباره کودک معلولی بود که هیچ جایگاهی در جامعه برادرش در نظر گرفته نشده بود و مانند یک طغیانی به کناره زندگی اطرافیشان اوپران بود. علاوه بر کیفیت نامیدکننده فیلم و ساده‌انگاری کارگردان در روایت داستان و مطرح کردن مشکلات زندگی کودکان معلول، عامل دیگری که باعث شد «بچه‌های ابدی» موفقیتی به همراه نداشته باشد این بود که زمانه در دو دهه گذشته عوض شده بود و موضوعی مثل این، اهمیت و مفاهیم جایی‌اش را از دست داده بود. در بستر اجتماعی نیمه‌های دهه ۱۳۸۰، پرداخت مایلیم و بی‌رمق درخشنده نمی‌توانست برای جامعه‌ای که پوشتش در میانه کشمکش‌های عمیق و پراشده کلفت شده بود تاثیر کوبنده‌ای بگذارد ولی ظاهراً نتیجه اکران «بچه‌های ابدی» برای فیلمساز راضی‌کننده بود، چون فیلم بعدی‌اش را هم تقریباً با همین موضوع و با مضامینی مشابه ساخت؛ «خواب‌های دنباله‌دار» که در همین چند هفته گذشته به نمایش عمومی درآمد و بار دیگر نشان داد جامعه امروز حوصله‌ای برای شنیدن حرف‌های کهنه ندارد و حتی تینت خیر فیلمساز هم در قالب فیلمی از مدافعه و خنثی به جایی نمی‌رسد. نگاهی به مسیر کارنامه فیلمسازی پوران درخشنده با این نگرانی همراه است که چرا فیلمسازی متعهد که زمانی دغدغه‌های اجتماعی‌اش را در قالب فیلم‌هایی گرم و فکرشده به اثر انگارترین شکل ممکن بیان می‌کرد و فیما در نمایش عمومی هم در رده فروپوش‌ترین‌ها قرار می‌گرفت، اکنون به جایی رسیده که فیلمان به ضرب و زور اکران مدارس و زنگ سینما هم نمی‌تواند دخل و خرج کند. این حکایت پوران درخشنده نیست، حکایت سینمای ماست که مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی‌اش را یکی‌یکی از دست داده و اکنون در دایره‌ای بسته سرگردان مانده و مشغول روایت داستان‌هایی یخ‌نما و تاریخ‌گرفته است.

اکتایق

دیگری

کارگردان: محمدرضا رحمانی/ بازیگران: میرلا زارعی، محمدرضا فروتن/ این فیلم اولین تجربه کارگردان آن است که درباره ازدواج دوباره یک مادر است. پسر او و دوست پدر فوت‌شده سوار یک وانت راهی سفری می‌شوند. رابطه تلخ آنها به تدریج رنگ بهتری به خود می‌گیرد اما تقدیر سینه‌اش دگرگی رقم خورده است. این فیلم از امروز در سینماها اکران می‌شود.

آناهیتا

کارگردان: عزیزالله حمیدزاد/ بازیگران: میترا حجار، شهاب حسینی، پوریا پورسرخ/ تاریخ اکران: سوم آذر / این فیلم به موضوع تحقیقات علمی چند جوان می‌پردازد. این فیلم در مدت چهار روز بیش از ۲۲ میلیون تومان فروخته است.

خواب‌های دنباله‌دار

کارگردان: پوران درخشنده/ بازیگران: پانته‌ا بهرام، علیرضا خمسه، مهران احمدی، فرشته صدرعرفایی/ تاریخ اکران: ۱۲ آبان/ خواب‌های دنباله‌دار هشت‌ساله رحانه موجب پیدا شدن معلم گم‌شده‌اش می‌شود و حوادثی را به دنبال می‌آورد.

خاطره

کارگردان: نادر طریقت/ بازیگران: مهناز افشار، پژمان بازغی، پوریا پورسرخ، لادن طباطبایی/ این فیلم بعد از پایان اکران «عصر پروزورگ» روی پرده می‌رود. این فیلم داستان زنی نویسنده است که پس از ازدواج دوم خود، با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. او سعی دارد رابطه فرزند و همسر دوشش را بهبود بخشد اما این رابطه برای کودک آزارآورنده است.

شاهین لَیغ فیلم‌ها پیمایش

عصر روز دهم

کارگردان: مجتبی راعی/ بازیگران: هانیه توسلی، احمد مهران/ «عصر روز دهم» پس از فیلم «ملک سلیمان» در گروه استقلال اکران می‌شود. این فیلم درباره مراسم عاشورا در کشور عراق است و به روایت مستند این مراسم می‌پردازد.

پرنسیپ (اصولگرا)

کارگردان: تیمینه میلانی/بازیگران: بهرام رادان، السافیزورآذر، همایون ارشادی، دانیال عبادی، آنا نعمتی، پیام صالحی (خواننده گروه آریان)، سارا خوشینیا/ این فیلم داستان دو ارزشیتک است که از دو دنیای متفاوت می‌آیند و به لحاظ فکری و جهان‌بینی با هم متفاوت هستند. قرار است این فیلم جزء اکران‌های آینده باشد. ابتدا این فیلم پرنسیپ نام داشت که پس از تصویب شدن عدم استفاده از نام‌های خارجی، نامش به اصولگرا تغییر پیدا کرد.

شبانه‌روز

کارگردان: امید بندکار، کیوان علی‌محمدی/ بازیگران: نیکي کریمی، پارسا پیروزفر، خاطره اسدی، لادن طباطبایی، مریم یونانی، شاهرخ فروتنیان، مهناز افشار، بهنوش بختیاری، حامد بهداد، مجیدرضا پگاه، رویا جویندیان، نگار جواهریان، آزاده صمدی، مهتاب کرامتی و ساعد هدایتی/ این فیلم زندگی هنرمندان در مقاطع مختلف تاریخی و دومین همکاری این زوج کارگردان در عرصه سینمایی بعد از فیلم «شبانه» است.

فیلم‌های ایران

سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۵ ■ چهارشنبه ۱۰ آذر ۱۳۸۹

گفت‌وگو با پوران درخشنده به بهانه اکران خواب‌های دنباله‌دار

منتقدنماها

فیلم‌هایم را دوست ندارند

◀ **حمیده دارالشفایی**

– بیست و پنج، شش سال از فیلم‌های رابطه و برنده کوچک خوشبختی می‌گذرد اما همچنان نام شما یادآور این دو فیلم است نه فیلم‌های بعدی. آیا دلیلش این است که دیگر فیلمی با آن کیفیت نساختید؟ یا فکر می‌کنید فیلم‌های بعدی تان هم باید ماندگار می‌شدند؟ چرا همه فیلم‌هایتان زیر سایه این دو اسم قرار گرفتند؟

شاید دلیل این باشد که برای اولین بار بود که فیلمی درباره بچه‌های معلول ساخته می‌شد. همین طور اولین بار بود که یک معلول جسمی– حرکتی سوزه قرار گرفته بود و مهتر آنکه بازیگر فیلم، خودش ناشنوا بود نه اینکه یک بازیگر نقش ناشنوا را بازی کند، وگرنه قبل از انقلاب به‌روز وثوقی نقش معلول را بازی کرده بود. این بار خود بچه‌های معلول در نقش خودشان ظاهر می‌شدند و این نکته در تاثیرگذاری فیلم سهم بزرگی داشت. علاوه بر این، زن بودن کارگردان فیلم هم بی تاثیر نبود.

– مخصوصاً که اولین فیلم‌های بلند شما بودند.

ولی من فیلم‌های زیادی ساختم‌ام که هر کدام ویژگی‌های خود را داشتند. ۱۰ فیلم بلند کارگردانی کرده‌ام.

– خودتان هم آن دو را بیشتر از بقیه دوست دارید یا بهتر از بقیه می‌دانید؟

نه، من همه فیلم‌هایم را دوست دارم. همه برایم یکسان هستند. همه با یک هدف و یک فکر ساخته شده‌اند. در همه آنها برایم مهم بوده که سوزو اصلی بچه‌ها باشند، آن هم بچه‌هایی که در موقعیت‌های خاص قرار دارند. من دوران بلوغ را هم یک موقعیت خاص می‌دانم که نوجوانان جامعه ما در آن دوران نادیده گرفته می‌شوند. هیچ کس فکر نمی‌کند، تدبیر نمی‌اندیشد که نوجوانان چگونه باید از دوران بلوغ سالم عبور کنند و بزرگ شوند یا بحث اعتیاد که در شعی در باد به آن پرداخته‌ام، سندرم دان در بچه‌های ابدی، بیماری کلیوی در عبور از غبار و زنان نازا در زمان از دست رفته همه جزء اقساقراموش‌شده هستند. معلولیت اجتماعی هم مثل معلولیت جسمانی از دغدغه‌های من است، مثل همین نابای، متعهد باورهای اجتماعی بیشتر از خود نازایی، یک زن نازا را می‌آزارد. اینکه جامعه یک زن را عقیم بیندارد خودش درد بزرگی است و من به شدت مخالف چنین نگاهی هستم. زنی که نازاست توانایی زایش جسمی ندارد ولی در ذهنش می‌تواند موجودی در به دنیا بیآورد و روح ببخشد. گاهی این زایش‌ها ماندگارتر است. زمان از دست‌رفته هم اولین فیلمی بود که بحث مشکلات زنان را مطرح می‌کرد (سال ۶۸) و تم اصلی آن باوروی اندیشه بود.

– چطور شد بعد از آن مدتی با سینما خداحافظی کردید؟

چون برای اولین بار به فیلم من درجه جیم دادند و من بسیار سرخورده شدم.
– همان موقع مستند شوکران را درباره اعتیاد ساختید؟
– بله. آن را هم بعد از سه چهار قسمت متوقف کردند. بعد هم فیلم‌نامه‌ای درباره پروین اعتصامی نوشتم که باز هم ساخته نشد.
– دیوانه‌ها که در خواب‌های دنباله‌دار هم دغدغه شما بیشتر نشان دادن آدم‌های خاص است. انگار مضمون فیلم همچنان بیش از خود سینما برایتان مهم است.
– برای من مهم است که درباره فکر آسیب‌دیده، حالا چه زن باشد چه کودک حرف بزنم و برای این کار زبان سینما را انتخاب کرده‌ام. من معتقدم معلولان هنوز در همان زیرزمین‌ها گرفتارند و در سیاهی روزگار می‌گذراندند.

– اینکه صرف فیلم بیشتر از خود سینما برایتان مهم است روی ژانر فیلم‌هایتان هم تاثیر گذاشته. این فیلم درباره دختری است که آنچه را که از دید دیگران پنهان و روی او داستان پیش می‌بیند، بر اساس خواب و روایات او داستان پیش می‌رود. این یک ایده سوررئال است ولی فضای فیلم شما کاملاً رئالیستی است. فکر می‌کنم از آنجا که تاثیرگذاری اجتماعی برای شما مهم است مسیر فیلم را به سمت رئال برده‌اید. آیا خودتان را به این فکر کرده‌اید که فضای فیلم‌تان را به سوی داستان‌های استغن کینگ یا فیلم‌های شبامالان یا طالع نحس ببرید؟

من حتی دلم می‌خواست خیلی واقعی‌تر از اینکه می‌بینید یک زن ولی متأسفانه چون نمی‌توانستم به خواب پناه بردم، از یک تاریکی فیلم را شروع کردم و با یک روشنایی به پایان رساندم. پیام من در قالب همین فیلمی که می‌بینید، منتقل شده است. از یک خواب شروع کردم اما خوابی که فانتزی‌های یک دختر است آن هم دختری که پروسه آگاه شدن را پشت سر می‌گذارد. من شخصیتی را انتخاب کرده‌ام که یک کودک آگاه است، درس می‌خواند و حتی بار زندگی را به نوعی به دوش می‌کشد. باید از برادر کوچکش نگهداری کند ولی هیچ کس به موجودیت او توجه ندارد. تمام این مدت حتی در خواب به فکر درس خواندن است به همین دلیل نگران معلم خانم (همتی) است. من از طریق این دختر جوان که آینده جامعه ماست، آگاهی می‌دهم.

– به هر حال در همه فیلم‌هایتان تمایل دارید زنان و دختران را محور اصلی قصه و پیش‌برنده داستان قرار دهید.

و نکته مهم‌تر آنکه فانتزی دختر کوچک قصه ما به هول و هراس منتهی می‌شود. هول و هراس از چی؟ من حتی دلم می‌خواست خیلی واقعی‌تر از اینکه می‌بینید یک زن ولی متأسفانه چون نمی‌توانستم به خواب پناه بردم، از یک تاریکی فیلم را شروع کردم و با یک روشنایی به پایان رساندم. پیام من در قالب همین فیلمی که می‌بینید، منتقل شده است. از یک خواب شروع کردم اما خوابی که فانتزی‌های یک دختر است آن هم دختری که پروسه آگاه شدن را پشت سر می‌گذارد. من شخصیتی را انتخاب کرده‌ام که یک کودک آگاه است، درس می‌خواند و حتی بار زندگی را به نوعی به دوش می‌کشد. باید از برادر کوچکش نگهداری کند ولی هیچ کس به موجودیت او توجه ندارد. تمام این مدت حتی در خواب به فکر درس خواندن است به همین دلیل نگران معلم خانم (همتی) است. من از طریق این دختر جوان که آینده جامعه ماست، آگاهی می‌دهم.

– به هر حال در همه فیلم‌هایتان تمایل دارید زنان و دختران را محور اصلی قصه و پیش‌برنده داستان قرار دهید.

و نکته مهم‌تر آنکه فانتزی دختر کوچک قصه ما به هول و هراس منتهی می‌شود. هول و هراس از چی؟

سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۵ ■ چهارشنبه ۱۰ آذر ۱۳۸۹

فیلم‌های ایران

آگاهی، دانش و سواد رمز نجات جامعه ما از تاریکی است. این حرف پوران درخشنده است در خواب‌های دنباله‌دار. آیا او توانسته این حرف را در قالب فیلمی جذاب به مخاطبان واقعی‌اش که همان مردم آسیب‌دیده جامعه هستند منتقل کند؟ در این گفت‌وگو تلاش شده این تجربه از نگاه فیلمساز بررسی شود. پوران درخشنده چه راهکاری دارد که فیلمش ضمن بیان دغدغه و گفتن حرف‌های او که معتقد است همان حرف‌های مردم است، جذاب هم باشد.



عقدۀ داشته باشد پسری تربیت می‌کند که ممکن است کارهای نادرست کند. مادری که آرامش دارد دختر و پسر نرمال تحولی جامعه می‌دهد، بین دختر و پسرش تبعیض قائل نمی‌شود که دختر عقده‌ای شود و پسر پرور، که هر دو باعث نابسامانی در جامعه می‌شوند. این معضل را به نوعی در روایای خیس نشان دادم که چطور پدر و مادرها بچه‌ها را از عشق محروم می‌کنند و اجازه نمی‌دهند دوران بلوغ را با سلامت سپری کنند. دوران بلوغ می‌تواند کاملاً سازنده باشد. همه مشکلاتی که بعدها پسرها در زندگی مشترک‌شان با آن روبه‌رو هستند، رابطه‌های موازی و… همه به این دلیل است که از دوران بلوغ سالم عبور نکرده‌اند بنابراین من به پسرها هم اهمیت می‌دهم ولی احساس می‌کنم مسائل دخترها کمتر گفته می‌شود. طبیعی است من که یک زنم از آنها بگویم…

– انگار بخواهید تبعیضی را که در جامعه وجود دارد بالاس کنید.

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

– بحث مفصلی بین هنر برای هنر و هنر متعهد وجود دارد.
– هنر برای هنر را دوست ندارم و دنبال به‌به و چه‌چه یعنی‌ها نیستم. دلم می‌خواهد مردم بیشتر فیلم را ببینند. در همین اکران‌های محدود همین تعداد مخاطبی که فیلم را دیده‌اند آن را پسندیده‌اند چون حرف من در فیلم را گرفته‌اند. من برای منتقدان فیلم نمی‌سازم. یا مثلاً در مورد همین خواب‌های دنباله‌دار می‌گویند فیلمت دوگانه است.
– شاید چون فیلم ناگهان وارد فضای زیرزمین می‌شود و همان جا باقی می‌ماند. البته شما توانسته‌اید ریتمی واحد بین دو فضا ایجاد کنید. سخت نبود که در یک محیط بسته با دو شخصیت ریتم ابتدای فیلم را حفظ کنید؟
– از قبل به همه چیز فکر کردم. از لحظه‌ای که فیلم وارد آن فضای بسته و زیرزمین می‌شود با دوربین روی دست فیلمبرداری کردیم. در میزآنسها، حرکات دوربین، زوایای دوربین و اندازه پلان همه بر اساس یک واقعیت شکل می‌گیرد. سعی کردم چیدمانی نباشد و دوربین طوری حرکت کند که انگار در حال دنبال کردن یک موضوع واقعی است. از خواب دختربچه که سقوط یک معلم را در بی دارد به یک فضای بسته می‌رسیم. شما فکر می‌کنید وقتی

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

– بحث مفصلی بین هنر برای هنر و هنر متعهد وجود دارد.
– هنر برای هنر را دوست ندارم و دنبال به‌به و چه‌چه یعنی‌ها نیستم. دلم می‌خواهد مردم بیشتر فیلم را ببینند. در همین اکران‌های محدود همین تعداد مخاطبی که فیلم را دیده‌اند آن را پسندیده‌اند چون حرف من در فیلم را گرفته‌اند. من برای منتقدان فیلم نمی‌سازم. یا مثلاً در مورد همین خواب‌های دنباله‌دار می‌گویند فیلمت دوگانه است.
– شاید چون فیلم ناگهان وارد فضای زیرزمین می‌شود و همان جا باقی می‌ماند. البته شما توانسته‌اید ریتمی واحد بین دو فضا ایجاد کنید. سخت نبود که در یک محیط بسته با دو شخصیت ریتم ابتدای فیلم را حفظ کنید؟
– از قبل به همه چیز فکر کردم. از لحظه‌ای که فیلم وارد آن فضای بسته و زیرزمین می‌شود با دوربین روی دست فیلمبرداری کردیم. در میزآنسها، حرکات دوربین، زوایای دوربین و اندازه پلان همه بر اساس یک واقعیت شکل می‌گیرد. سعی کردم چیدمانی نباشد و دوربین طوری حرکت کند که انگار در حال دنبال کردن یک موضوع واقعی است. از خواب دختربچه که سقوط یک معلم را در بی دارد به یک فضای بسته می‌رسیم. شما فکر می‌کنید وقتی

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

– بحث مفصلی بین هنر برای هنر و هنر متعهد وجود دارد.
– هنر برای هنر را دوست ندارم و دنبال به‌به و چه‌چه یعنی‌ها نیستم. دلم می‌خواهد مردم بیشتر فیلم را ببینند. در همین اکران‌های محدود همین تعداد مخاطبی که فیلم را دیده‌اند آن را پسندیده‌اند چون حرف من در فیلم را گرفته‌اند. من برای منتقدان فیلم نمی‌سازم. یا مثلاً در مورد همین خواب‌های دنباله‌دار می‌گویند فیلمت دوگانه است.
– شاید چون فیلم ناگهان وارد فضای زیرزمین می‌شود و همان جا باقی می‌ماند. البته شما توانسته‌اید ریتمی واحد بین دو فضا ایجاد کنید. سخت نبود که در یک محیط بسته با دو شخصیت ریتم ابتدای فیلم را حفظ کنید؟
– از قبل به همه چیز فکر کردم. از لحظه‌ای که فیلم وارد آن فضای بسته و زیرزمین می‌شود با دوربین روی دست فیلمبرداری کردیم. در میزآنسها، حرکات دوربین، زوایای دوربین و اندازه پلان همه بر اساس یک واقعیت شکل می‌گیرد. سعی کردم چیدمانی نباشد و دوربین طوری حرکت کند که انگار در حال دنبال کردن یک موضوع واقعی است. از خواب دختربچه که سقوط یک معلم را در بی دارد به یک فضای بسته می‌رسیم. شما فکر می‌کنید وقتی

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

آدم دلش می‌خواهد درباره همه آسیب‌دیده‌ها فیلم بسازد. امروز دو نفر به من انتقاد می‌کردند که چرا درباره میانسال‌ها فیلم نمی‌سازی. پسر معلولی هست ۱۲ سال است با من تماس دارد و ناراحت بود که چرا فیلم خواب‌های دنباله‌دار را جدی نمی‌گیرند. من عاشق مردم هستم و برای آنها فیلم می‌سازم. دنبال بز و پرستیز نیستم…

عکس از پوران درخشنده